موضوع: کاربرد علم عرفی و اطمينان آور در اعتقادات

مرور اجمالی مباحث اجتهاد در علم کلام

در ادامه بحث به مروری اجمالی از مباحثی که در مورد اجتهاد در علم کلام مطرح شد می پردازیم:

1. اصل بحث، بررسی اجتهاد در علم کلام بود. ابتدا به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی آن پرداختیم. معنای لغوی اجتهاد، بذل جهد در حد وسع است، و در هر امری متناسب با آن است. در مورد معنای اصطلاحی، از آنجا که برای هر علمی ادوات و منابعی وجود دارد، فردی که منابع و روش آن علم را بداند و بتواند مسائل آن علم را با تحقیق و تلاش بدست آورد، مجتهد در آن علم نامیده می شود، خواه علم فقه باشد یا فیزیک و شیمی. در علم فقه، مجتهد به کسی گفته می شود که بتواند بر اساس منابع دینی، احکام فقهی را استنباط کند.

در علم کلام اجتهاد دارای دو مرتبه است: الف) در اصول اعتقادی و شالوده های دین، اصل بر این است که هر فردی اهل نظر باشد و خود آن مسائل را بفهمند. در این مرتبه دیگر تقلید جایز نیست، زیرا این مقدار تلاش بر همگان مقدور و ممکن است و تقلید در جایی جایز است که عجز باشد. بر این اساس وجوب این تحقیق، عینی است. (این مرتبه از اجتهاد محل بحث ما نیست). ب) مرتبه دوم اجتهاد نسبت به سایر اعتقادات است. کسب اجتهاد در این مرتبه مستحب و جنبه کمالی دارد و اکتفا به همان مقدار قبل کافی است، منتهی از باب دفاع از دین و ارشاد مردم، بر عده ای واجب است که در این مسائل وارد شده و دست به اجتهاد بزنند. این وجوب کفایی است.

2. مساله اجتهاد در اعتقادات مخالفینی نیز داشته است. در تاریخ از عده ای نام برده شده که معتقد به تقلید در اعتقادات بوده و تفکر و غور در مباحث اعتقادی را منع می کردند. دلایلی که آنان بر این امر اقامه می کردند از این قرار است: الف) غور در این مباحث جدال خیز است و جدال در دین مذموم است. ب) پیامبر اکرم (ص) تفکر در مساله «قدر» را منع کرده اند و این مساله در مورد سایر اعتقادات نیز جاری است. ج) این مباحث زمینه ساز طرح شبهات است. د) این مساله مخالف با سیره پیامبر (ص) بوده است، زیرا ایشان در مورد کسانی که به اسلام رو می آوردند ساده برخورد کرده و به مقدار کم بسنده می کردند. در اینجا گفته شد، سیره پیامبر (ص) در مورد کسانی بوده که می خواستند وارد بر دین شوند، اما مساله در مورد کسانی که داخل در دین بودند مساله متفاوت بود.

3. مساله دیگری که مورد بررسی قرار گرفت، مساله اجتهاد در اعتقادات از جهت قرآن و روایت بود. در این باره مساله تفقه در دین و همچنین روایات فریضه علم و دلایل دیگر مورد بررسی قرار گرفت.

4. بحث دیگر بررسی دیدگاه متکلمان اسلامی در باب وجوب نظر و ادله ای است که آنان در این باره که همان اجتهاد در کلام است بیان کردند. این ادله از این قرار بود: الف) نظر و تفکر، وسیله برای معرفت خداوند است و معرفت خداوند واجب است، پس نظر واجب است. ب) اگر فکر و نظر در اعتقادات صورت نگیرد خوف قرار گرفتن در ضرر عظیم است. عقل، رفع خوف را واجب می داند. همچنین احتمال ضرر بزرگی نیز به جهت عمل نکردن به دستورات وجود دارد و عقل دفع ضرر محتمل را نیز واجب می داند. پس از باب وجوب رفع خوف محتمل و دفع ضرر محتمل، نظر و تفکر واجب است. ج) همان طور که علامه طباطبایی فرموده است، فطرت و حس کنجکاوی، انسان را با مسائلی مواجه کرده و او را به تحقیق وا می دارد. ایشان فرمودند اگر بحث خداوند فطری نباشد که هست، بحث درباره نظر در آن قطعا فطری است .

در این باره ادله نقلی نیز اقامه شد، از جمله آیه «قُلِ انْظُرُوا ما ذا فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما تُغْنِي الْآياتُ وَ النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لا يُؤْمِنُون‏»[[1]](#footnote-1) . و نیز در روایت آمده است پیامبر اکرم (ص) وقتی آیه 91 آل عمران را قرائت کردند فرمودند: «ویل لمن قرأها و لم یتفکر فیها». معنای این روایت حضرت آن است که فعل این تفکر واجب است و ترک آن عقاب دارد.

5. موضوع دیگر مورد بحث، دلیل بر وجوب معرفت الله بود. یکی از دلایل آن وجوب شکر منعم است به این صورت که ما نعمت ها را می بینیم و این نعمت ها طبق قاعده علیت، منعم دارد، و انسان باید کسی که این نعمت ها را به او داده است شکر کند. و این شکل آن گاه ممکن است که فرد منعم را بشناسد. دلیل دیگر آن وجوب دفع ضرر محتمل است. دلیل سوم قاعده لطف است. البته مراد از لطف در اینجا معنای لغوی آن است نه معنای مصطلح. اصل این قاعده به حکم عقل و همان وجوب شکر منعم و دفع ضرر محتمل بر می گردد .

6. دو گروه در میان متفکران اسلامی معتقد هستند که از آنجا که اعتقاد به خداوند فطری است و انسان با این معارف متولد شده است، دیگر تحصیل بردار نیست. عده ای که آنان را اصحاب المعارف می نامند و نوعا از متعزله هستند و اخباریون از شیعه معتقد به این عقیده بوده اند.

7. موضوع دیگر بحث شده کارکردهای اجتهاد کلامی در منابع وحیانی بود. گفته شده در اینجا به سه نوع اجتهاد داریم:

الف) اجتهاد استنباطی؛ یعنی اعتقادات را به صورت مجتهدانه از قرآن و روایات استناط کند، همان گونه که فقیه احکام فقهی را استنباط می کند.

ب) اجتهاد تبیینی؛ و آن بیان اعتقاداتی است که توضیح داده نشده است. مثلا در روایات در باره علم الهی آمده است: «علمه قبل الایجاد کعلمه بعد الایجاد». تبیین این روایت کار مجتهد و بر اساس مبانی فلسفی و اصولی است. مرحوم صدرالمتالهین در تبیین آن، مساله علم اجمالی در عین کشف تفصیلی را بیان کردند که بهترین تبیین است و این نشان می دهد که بعضی از مباحث فلسفی، در تبیین و فهم معارف دینی بسیار راه گشا بوده و معجزه می کند

ج) اجتهاد دفاعی؛ گاه مطلبی در قرآن و روایات آمده که سبب شبهه برای برخی شده است. مثلا در قرآن کریم آمده است «لا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُون‏»[[2]](#footnote-2)یعنی خداوند ما فوق سوال است. ممکن است کسی بگوید چرا اینگونه است و آیا (نعوذ بالله) معنای استکباری ندارد؟ مرحوم علامه در دفاع فرموده است: معنای آیه این است که اصلا سوال در مورد خداوند جا ندارد و راهی برای سوال در مورد او نیست، نه اینکه مجال سوال هست اما اجازه سوال داده نمی شود. سوال یا از فاعل است که خداوند فاعل الفواعل است، یا از غایت است که خداوند غایت الغایات است، و یا از ملک است که او مالک الملوک است.

8. بحث دیگر مساله روش و قواعد اجتهاد کلامی است. برخی از روش ها و قواعد اجتهاد در علم کلام در علم اصول بیان شده است. قواعد علم اصول فقه در علوم مختلفی از جمله اعتقادات کاربرد دارد .

9. موضوع دیگر بررسی مساله قطع و ظن و حجیت آن در استنباط بود که مورد بررسی قرار گرفت.

انشاء الله در جلسه آینده به بررسی مبانی معرفت شناسی در علم کلام می پردازیم .

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره یونس، آیه 101 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره انبیا، آیه 23 [↑](#footnote-ref-2)